

## جنگ نرم و انقلاب اسلامی ایران

واژه جنگ نرم مدتی است در ادبیات نخبگانی کشور ظهور و بروز یافته است. این واژه هم مفهوم جنگ به مفهوم سنتی آن را در ذهن تداعی می‌کند و هم پسوند نرم، آن را از معنای جنگ به مفهوم کلاسیک آن متمایز می‌نماید. اما اینکه این مفهوم چیست؟ و چه باری دارد؟ در یک چارچوب گفتمانی مشخص قابل فهم است. با جستاری در گفتمان صاحب‌نظران این حوزه این‌طور بر می‌آید که این واژه بعد از تبیین نظری بعد نرم قدرت توسط جوزف نای در کتاب تغییر ماهیت قدرت آمریکایی در سال ۱۹۹۰ و وضع واژه قدرت نرم در دیپلماسی عمومی است. به تبع تجانس قدرت سخت و جنگ سخت؛ برای دستیابی به قدرت نرم در جوامع مختلف چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌الملل واژه جنگ نرم بروز و ظهور پیدا کرده و ابعاد، ابزار و لوازم و حوزه‌ها و محیط عمل خود را خواهد شناخت.

جوزف نای با بسط این مفهوم در کتابی با عنوان «قدرت نرم: راه موفقیت در سیاست‌های جهانی» در سال ۲۰۰۴ قدرت نرم را با عبارت ذیل تبیین می‌کند: «قدرت نرم تأثیرگذاری بر دیگران برای کسب نتایج مطلوب از طریق جذابیت به جای اجبار و تطمیع». به عبارتی او بر این اعتقاد است که در جنگ نرم هویت فرهنگی و الگوی رفتاری مورد قبول جوامع مورد حمله قرار می‌گیرد. به دنبال وضع و بسط این مفاهیم در گفتمان متخصصین و فعالان دیپلماسی عمومی و به‌کارگیری و گسترش ابزارها و سلاح‌های جنگ امروزه ابزارهایی در

اختیار بشر قرار دارد که می‌تواند جنگی تمام عیار را بین جوامع رقم بزند؛ با این تفاوت که اگر در قدرت سخت جان افراد مورد هجمه قرار می‌گرفت، در جنگ نرم ذهن و روان افراد مورد هجمه قرار می‌گیرد. تبیین و به‌کارگیری واژگانی چون دیپلماسی فرهنگی و قدرت هوشمند در ادبیات این حوزه نیز پیرو همین مبنای نظری بسط و گسترش یافته است. نای در تبیین قدرت نرم مبدا آن را فرهنگ، اقتصاد و حکومت دانسته و مقصد را قدرت و سیاست و حوزه بین‌الملل معرفی می‌کند. عرصه این قدرت نیز ذهن و روان انسانی است. با توجه به این مهم تبیین ابعاد، حوزه‌های عمل، ابزارها و تاکتیک‌های عملیاتی جنگ نرم نیز نیازمند تبیین نظری دقیق و هوشمند دارد. عدم توجه به این موضوع ممکن است جزم‌اندیشی و تفکر سلبی‌نگرانه‌ای را باعث شود که باعث تقلیل و تنزیل این مفهوم در حوزه‌هایی مانند فرهنگ و محیط عمل رسانه‌ها شده و کشور را از پرداختن به سایر موضوعات این حوزه باز دارد.

### تبیین تفاوت جنگ سخت و نرم

کشورها در طول تاریخ، جهت دستیابی به اهداف و منافع خود از شیوه‌های مختلف بهره برده‌اند؛ اما مهمترین شیوه استفاده از جنگ کلاسیک به مفهوم سخت و نظامی آن بوده است. با گسترش آگاهی‌های عمومی، خلق و توسعه ابزارها و فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، رویکرد کشورها به تامین منافع خود تغییر کرده است؛ دیگر جنگ سخت، پرهزینه و نامقبول است و ابزار مناسبی برای تامین منافع نیست. در جنگ‌های سخت کشورها با زور نظامی یک کشور را تحت سیطره خود در می‌آورند و با زور نیز به اعمال قدرت و تامین منافع می‌پردازند که این شیوه هزینه گزافی به کشور متخاصم تحمیل می‌کند. اما در عصر جدید کشورهای غربی با اقدامات فرهنگی، رسانه‌ای و با طرق مختلف و ابزارهای ملموس از تولید رسانه‌ای گرفته تا صادرات کالاهای اقتصادی به سایر کشورها در صدد تامین منافع کشور خود بدون اعزام حتی یک سرباز می‌کنند و اینجاست که جنگ نرم جایگزینی کم‌هزینه و پرمفعت برای جنگ سخت است

در این نوع از جنگ دشمن به‌دنبال استفاده از سازوکارهای مختلف و روش‌های گوناگون برای تغییر ارزش‌ها و هنجارهای بنیادی یک جامعه، نگرش‌ها، آداب و رسوم و منش و رفتار اجتماعی و فردی است. اگر در جنگ سخت غلبه بر نیروی نظامی و شبه نظامی یک کشور هدف مهاجم بود در این جنگ، همه آحاد مردم یک کشور به‌واسطه توسعه مردم‌سالاری و به‌ویژه نخبگان آنها به‌عنوان تصمیم‌گیرندگان کشور هدف می‌باشند.

## چگونگی عملکرد قدرت نرم در جوامع

دو مدل رایج برای عملکرد قدرت نرم در جوامع مورد توجه قرار می‌گیرد. این مدل‌ها با عناوین مستقیم و غیرمستقیم تبیین می‌شود. در مدل مستقیم بحث از ارتباط بین نخبگان اعم از نخبگان سیاسی، فرهنگی و یا علمی است. اما در مدل غیرمستقیم تأثیرگذاری روی افکار عمومی صورت می‌گیرد. در این رویکرد که امروزه به عملکرد رایج کشورها در ایجاد قدرت نرم در سایر کشورها بدل شده است، از ابزارهایی چون کمک‌های بشردوستانه، ساخت مدارس، بیمارستان‌ها و از این قبیل استفاده می‌شود و در مرحله دوم از عملیات جنگ نرم منافع اقتصادی و... کشور مبدأ تأمین می‌شود. در دیپلماسی عمومی جدید کشورها، جنگ نرم همه ابعاد زندگی و نیازهای جوامع مدنظر فراگرفته و سعی در کسب اعتبار در همه این ابعاد است. به این منظور مهمترین ابزار کسب اعتماد، ارتباطات است که در سطوح عمومی، راهبردی و سیاست‌گذاری مورد توجه قرار گرفته و به طرق مختلف و توسط ابزارهای گوناگون از جمله رسانه راه را برای دستیابی به پیروزی در این جنگ هموار می‌کند. ایجاد شبکه‌های تلویزیونی به زبان‌های بومی کشورها، اعطای بورس تحصیلی به نخبگان، تشکیل و توسعه سازمان‌های غیرانتفاعی در کشورها تحت حمایت و هدایت گروه‌های غیرانتفاعی بزرگ و بین‌المللی و برقراری ارتباطات گسترده با سیاست‌مداران یک کشور نمونه‌هایی از این روش‌ها به‌شمار می‌آیند. هر یک از این ابزارها و روش‌ها بخشی از اهداف کسب قدرت نرم را در کشورهای مقصد تأمین نموده و زمینه را برای پیروزی در جنگ نرم در حوزه‌های مختلف فراهم می‌کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

## انقلاب اسلامی و جنگ نرم: مثال جامع علوم انسانی

انقلاب اسلامی به عنوان یک انقلاب فرهنگی و ایدئولوژیک که در مقابل نظام سلطه و در تضاد با آن پدیدار شده است و از ابتدای انقلاب تاکنون مورد حمله‌های گوناگون دشمن بوده است. گفتمان انقلاب اسلامی هژمونی حاکم بر جامعه جهانی به‌وسیله حکومت‌های استعماری را به خطر انداخت. با شناخت حکومت‌های استعماری نسبت به این خطر بزرگ اقدامات متناظر به‌منظور حفظ قدرت آنها در جامعه جهانی آغاز شد. کارزار اولیه در مقابل انقلاب اسلامی از نوع کلاسیک آن یعنی؛ جنگ سخت بود. تحمیل هشت سال جنگ به جمهوری اسلامی ایران در ابتدای پیروزی انقلاب و در کنار آن انواع تحریم‌ها در این چارچوب قابل فهم و تفسیر است. اما ظرفیت‌های والای نظام جمهوری اسلامی و دو مؤلفه

مهم و مکمل آن یعنی؛ رهبری هوشمندانه و پشتوانه مردمی مانع از رسیدن غرب به اهداف خود در کارزار اولیه شده است.

ناکامی در این مرحله و عدم توان حذف این گفتمان باعث شد تا تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیرندگان مخالف با نظام جمهوری اسلامی به شیوه‌های دیگر پناه برده و ابزارهای براندازی نرم را در دستور کار خود قرار دهند. در این راستا با به‌کارگیری ابزارها و روش‌های مختلف و با هجمه روانی بسیار قوی در جامعه جهانی سعی در ارتقای قدرت نرم خود و تضعیف قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران نمایند. به کارگیری امپراطوری رسانه‌ای صهیونیسم، هالیوود، شبکه‌های متعدد ماهواره‌ای و... نمونه‌هایی از این ابزارها و روشهاست که هر روز بخشی از ارزش‌های دینی، انقلابی و انسانی نظام را مورد حمله قرار می‌دهد. پی‌گیری این روش در گفتمان بسیاری از نظریه‌پردازان قدرت سیاسی غرب به خوبی آشکار است. به طوریکه افرادی چون کسینجرتنها راهکار مبارزه با انقلاب اسلامی را براندازی نرم و فروپاشی از درون معرفی می‌کند و حوزه‌های اقدام را در مقابله با انقلاب اسلامی بر می‌شمرد. به عبارت دیگر از سوی حکومت‌های استعماری جنگ تمام عیار با شیوه‌های جدید جنگ و نوع نرم آن به مقابله با نظام در حال انجام است. مهمترین اهداف این جنگ این است که دو مؤلفه اصلی انقلاب را از هم جدا کرده و با ایجاد تضاد و تعارض فیمابین آنها، ضمن تضعیف نظام در گام اول به شکست و حذف آن در گام بعدی اقدام کنند.

نقطه آغاز این رویکرد در دهه ۷۰ هجری شمسی بوده و با بکارگیری ابزارها و لوازم آن در دستور کار غرب قرار گرفت. ارسال محصولات فرهنگی مختلف، ایجاد شبهه در مبانی نظام جمهوری اسلامی، متهم کردن نظام به فعالیت‌های تروریستی و نقض حقوق بشر و صلح و امنیت جهانی و توسعه شبکه‌های ماهواره‌ای برای مهندسی فرهنگی ملت ایران و تغییر باورها، ارزش‌ها، رفتارها و تغییر سبک زندگی اسلامی- ایرانی به سبک زندگی غربی از یک طرف و جذب حداکثری نخبگان، کاهش توان رقابتی کشور در عرصه علم و فناوری و تربیت نیروها و اعزام این نیروها به داخل کشور همگی در این راستا ارزیابی می‌شود. امروزه کمتر کسی وجود دارد که نسبت به اهداف این اقدامات در جامعه جهانی به‌وسیله حکومت‌های استکباری شک داشته باشد. ولی برخی از کشورها حضور خود را در جنگی نابرابر و مغلوب شده به نفع این حکومت‌ها ارزیابی کرده و تحت تأثیر ابزارهای تبلیغی نه تنها هیچ اقدامی انجام نداده، بلکه به‌منظور مصون ماندن از هرگونه صدمه احتمالی تابعیت و فرمانبرداری تمام عیار خود را از این حکومت‌ها فریاد می‌زنند و حتی جلوتر از این حکومت‌ها به عنوان نوک

بیگان حمله آنها انجام وظیفه می‌کنند. نظریه‌پردازان جنگ نرم در غرب نیز به انحای مختلف بر این باور تأکید کرده و نوید پیروزی و به دنبال آن رهایی و آزادی ملت‌ها را در زیر سیطره حکومت‌های سلطه‌تئوریزه می‌کنند.

اما آینده‌نگری، دوران‌اندیشی و درک ضرورت‌های زمانه به‌وسیله حضرت امام<sup>(ره)</sup> و مقام معظم رهبری و هشدار باش به مسئولین کشور در رده‌های مختلف باعث ناکامی غرب در غلبه بر نظام جمهوری اسلامی ایران شده است. بی‌شک اگر رهبری مدبرانه حضرت امام<sup>(ره)</sup> در دوران جنگ تحمیلی و تدابیر حکیمانه مقام معظم رهبری در دوران جنگ نرم - که از اوایل دهه ۷۰ ایشان بحث تهاجم فرهنگی غرب را مطرح کردند و مسئولین را به برنامه‌ریزی برای مقابله هوشمندانه به آن امر فرمودند - نبود، قطعاً جمهوری اسلامی ایران امروز مسیر رشد و بالندگی را طی نمی‌کرد.

اگرچه ممکن است در برخی مقاطع غرب نتایج اندکی از فعالیت‌های سنگین خود کسب کرده باشد؛ اما فتنه سال ۱۳۸۸ و بیداری اسلامی در غرب آسیا و شمال آفریقا نشان داد نه تنها غرب در مهندسی فرهنگی جامعه ایران ناکام مانده؛ بلکه انقلاب اسلامی با تجربه موفق ۳۳ ساله برای مردم مسلمان کشورهای منطقه، به الگویی بی‌بدیل تبدیل شده و هر روز دامنه اثرگذاری آن بیشتر می‌شود.

از این‌رو با توجه به تفاوت ماهیت جنگ سخت و نرم که در اولی ساختارهای نظامی کشور و تجهیزات نظامی برای مقابله با دشمن در مرکز ثقل مقابله است؛ در جنگ نرم ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی با محوریت ساختار فرهنگی کشور ابزار مقابله با دشمن است و از همین روست که مهمترین وظیفه شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان مرکز مهندسی فرهنگی و مغز متفکر تصمیم‌گیر و قرارگاه فرماندهی مقابله با دشمن با بسیج همه ساختارها و ظرفیت‌های نظام جمهوری اسلامی ایران شناخته می‌شود. جامع‌نگری و تمرکز بر تمام حوزه‌ها و مناطق عملیاتی این جنگ باعث شده تا همانند دوران دفاع مقدس افسران جنگ نرم جمهوری اسلامی همه توان خود را برای مقابله با دشمن به‌کار گیرند و زمینه‌های اقتدار جهانی جمهوری اسلامی را بعد پیروزی در هر دو جنگ، برای جامعه جهانی به ارمغان آورده و صلح، عدالت، آزادی، مهرورزی و بندگی راستین خداوند را به آنان هدیه نمایند.

در این زمینه شورای عالی انقلاب فرهنگی در طول دوران پربار خویش مصوبات تأثیرگذاری در جهت مواجهه فعال با جبهه فرهنگی دشمن و تقویت جبهه فرهنگی انقلاب

اسلامی داشته و در دوره جدید فعالیت خود نیز با تمرکز بر تدوین سند نقشه جامع علمی کشور، تحول بنیادین نظام آموزشی و مهندسی فرهنگی کشور به عنوان اسناد فرابخشی حوزه علم، فرهنگ و تدوین اسناد بخشی آن در حوزه بازی‌های رایانه‌ای، سبک زندگی اسلامی - ایرانی، واردات کالا و ... تلاش مضاعفی را در تقویت جبهه فرهنگی انقلاب و مقابله با جنگ نرم دشمن بر داشته است و در این مسیر همه نخبگان را به همکاری و معاضدت می‌طلبد.

دکتر محمدرضا مخبر دزفولی  
دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی